

آقای اوباما، اعراب موعظه نمی‌خواهند

درباره قیام مردم در جهان عرب و نتیجه آن که قرار است آزادی مردم عرب باشد، نکته‌ای وجود دارد که باراک اوباما، هیلاری کلینتون و دیگر مقامات غربی یا هنوز آن را درک نکرده‌اند یا از آن خوش‌شان نمی‌آید.



درباره قیام مردم در جهان عرب و نتیجه آن که قرار است آزادی مردم عرب باشد، نکته‌ای وجود دارد که باراک اوباما، هیلاری کلینتون و دیگر مقامات غربی یا هنوز آن را درک نکرده‌اند یا از آن خوش‌شان نمی‌آید.

هر چند وقت یک بار اظهارنظر یا پیش‌بینی غربی‌ها درباره تحولات اخیر جهان عرب را از طریق مصاحبه، سخنرانی یا بیانیه از رسانه‌ها می‌شنویم و می‌بینیم. در این اظهارنظرها موضع غرب به‌ویژه آمریکا در ارتباط با آزادی برای کل بشریت مطرح می‌شود. اما به‌نظر می‌رسد آنها که خود را مسئول به صدا درآوردن ناقوس آزادی برای همه جهان می‌دانند، چرا وقتی نوبت به آزادی در جهان عرب می‌رسد، درنگ می‌کنند.

این موضع‌گیری مختص به آمریکایی‌ها نیست بلکه اروپایی‌ها و ترک‌ها و دیگر دمکراسی‌طلبان دنیا هم در واکنش نسبت به انقلاب‌های جهان عرب و در حمایت از آزادی شهروندان، گزینشی و گاه با تاخیر سخن گفته‌اند. قرار است همین هفته باراک اوباما درباره تحولات اخیر جهان به‌ویژه بعد از مرگ بن‌لادن سخنرانی کند. قرار است یک بار دیگر شنونده یک سخنرانی به‌شیوای دیگر باشیم درحالی‌که در سراسر خاورمیانه زنان و مردان عرب دسته‌دسته برای دستیابی به آزادی که اوباما و دیگران از آن به‌عنوان ارزش مشترک بشری نام می‌برند، کشته می‌شوند.

رویکرد واشنگتن نسبت به بهار عربی، مشکل قابل توجهی را در غرب نشان می‌دهد. این مشکل همان استاندارد دوگانه‌ای است که دولت‌های غربی در قبال موضوعات عربی به کار می‌گیرند. در این مورد خاص، مشکل این است که تلاش و تقلای اعراب برای دستیابی به آزادی، حقوق برابر و عزت، از سوی خارجی‌ها یک نمایش تلویزیونی خیره‌کننده و هیجان‌انگیز تلقی می‌شود. این جنبش عظیم برای غرب با دیگر جنبش‌های آزادیخواهانه جهان متفاوت است و به همین خاطر استقبال از آن مانند واکنش غرب به اعتراض‌های ضدشوروی در دهه 1970 و 1980 نیست. حق شهروندان عرب برای دستیابی به آزادی از نظر غربی‌ها نه روشن است و نه برابر. به‌ویژه وقتی پای 2 موضوع اسرائیل و نفت به میان می‌آید، آزادیخواهی اعراب قربانی منافع غرب می‌شود. بهار عربی اکنون به نقطه عطف و حیاتی خود رسیده‌است.

تونس و مصر در حال‌گذار به سوی دمکراسی هستند، لیبی و یمن هم طی ماه‌های آینده وارد این مرحله می‌شوند. کشمکش برای رسیدن به آزادی در بحرین و تا حدی در اردن، مراکش، عمان و حتی سوریه ادامه دارد. در این شرایط قدرت‌های غربی و دیگر دمکراسی‌های جهان باید براساس 2 نکته عمل کنند؛ اول اینکه باید از بهار عربی به‌عنوان یک روند طولانی‌مدت استقبال کنند نه اینکه با گذشتن برخی جنبش‌ها، در کنار دیکتاتورهای معروف قرار بگیرند و از آنها حمایت کنند؛ بهار عربی را باید چون بهار پراگ در سال 1968 مورد استقبال قرار دهند.

جهان عرب مانند امپراتوری شوروی است. انقلاب مجارستان در نیمه دهه 1950، بهار پراگ در سال 1968، جنبش همبستگی لهستان در سال 1980 و جنبش مخالفان روسیه در تمام این سال‌ها، در نهایت فروپاشی شوروی را رقم زد. این یک روند گام به گام اما منتهی به نتیجه است که باید چند بهار را طی کند و البته زمستان‌هایی سخت را هم پشت سر بگذارد. اکنون جهان عرب در حال طی همین مراحل است.

نکته دوم این است که باید به آزادی به‌عنوان یک کل تبعیض‌ناپذیر نگاه کرد. این موضوع باید پایه و اساس سیاست آمریکا در قبال عرب‌هایی باشد که حاضرند برای حق خود مبارزه کنند و بمیرند. اوباما در سخنرانی خود باید مراقب باشد که به باورها و دانسته‌های اعراب دیگر توهین نکند. عرب‌ها دیگر نمی‌خواهند شنونده سخنرانی‌های طولانی درباره تاریخ اعراب یا ضرورت آموزش و تجارت آزاد باشند. آنها نیاز به موعظه درباره انتخابات آزاد، ضرورت پاسخگویی یا قانون‌گرایی یا بدبودن تروریسم ندارند.

خواسته اعراب از دمکراسی‌های قدرتمند غربی اندکی شهامت، صداقت و منطق است و اذعان به اینکه آزادی حق همه انسان‌هاست و آمریکا باید از حق بدون تبعیض همه مردم برای دستیابی به آزادی و بهره‌بردن از آن دفاع کند. اوباما باید بگوید که واشنگتن بدون تبعیض از همه آزادیخواهان حمایت می‌کند؛ آزادی تبعیض‌ناپذیر است.